

صدای بلند
شنیدن نمی‌آوردمریم پیریایی
روزنامه‌نگار

یک عضو شورای شهر تهران، در واکنش به اختلال اینترنت در جریان جنگ ۱۲ روزه اخیر، راه‌حل خجسته‌ای ارائه داده که بیش از آن که راهگشا باشد، نشانه‌ای است از نوعی ذهنیت واپس‌گرا در مواجهه با جامعه و فناوری. این عضو شورای شهر، اعلام کرده است: «با توجه به قطعی اینترنت، باید از بلندگو برای اطلاع‌رسانی عمومی استفاده کنیم.» و افزوده است: «تعدادی از بلندگوهای اعلان عمومی در میدان اصلی شهر نصب شده و در حال توسعه‌است». این اظهارنظر، نه‌فقط از جنس یک سیاست اجرایی که واجد ابعدی جامعه‌شناختی، رسانه‌ای و حتی فلسفی است که نمی‌توان از آن بهسادگی گذشت، برخی مقامات، گویی همچنان در سبزی دیرپا با فناوری گرفتار مانده‌اند؛ سبزی نابرابر، بی‌ثمر و غیر درخور زمانه. در ذهن آنها، هر چه سستی‌تر، ایمن‌تر و هر چه مدرن‌تر، خطرناک‌تر. گویی بلندگو از جنس صداقت و اینترنت از جنس فریب است. این هراس از فناوری، نه پدیده‌ای طبیعی که نوعی بیماری مزمن فکری است؛ بیماری‌ای که ریشه در ترس از ارتباط دوسویه دارد، در بی‌تابی از گفت‌وگو و در اشتیاق به فرمانبرداری بی‌چون و چرا. آنان ارتباط را تنها وقتی مطلوب می‌دانند که یکسویه، کنترل شده و از بالا به پایین باشد، اما جبر فناوری، مدتی است که این ساختارها را از کار انداخته؛ جهان دیگر پذیرای فرمان‌های بی‌گفت‌وگو نیست. نمی‌توان با بلندگو، سکوت مردم را بزرگوار و نام آن را اطلاع‌رسانی نهاد. روزگار، روزگار دانستن است و دانایی، پشت بلندترین دیوارها هم راه خود را پیدا می‌کند. آن قدر فناوری پیش رفته که اگر در راه روی حقیقت بیندید، از پنجره ذهن‌ها وارد می‌شود. راه، نه در حذف رسانه‌ها، که در بازسازی اعتماد و مسئولیت‌پذیری است. به‌جای هراس از فناوری، باید آن را فهمید و با آن زیست. در نقد این اقدام باید گفت، اولاً توسعه بلندگو در شهر، حامل نوعی عقبگرد مفهومی، تکنولوژیک و جامعه‌شناختی است. رسانه، صرفاً ابزار انتقال پیام نیست، بلکه حامل الگوی ارتباطی و شکل‌دهنده به ماهیت رابطه قدرت و جامعه است. بلندگو، رسانه‌ای یکسویه، از بالا به پایین، فاقد ظرفیت تعامل، پالایش و بازخورد است. اینترنت اما، گرچه ساختاری پیچیده و بعضاً نابرابر دارد، دست‌کم امکانی برای چندصدایی، مشارکت، جست‌وجو، انتخاب و بازنگری فراهم می‌آورد. جان گفته ما ریشال مک‌لوهان اینجابار دیگر مصادق می‌یابد: «رسانه، همان پیام است.» آن‌گاه که به‌جای اینترنت، از بلندگو استفاده می‌کنیم، پیام فقط در محتوای آن خلاصه نمی‌شود، بلکه در نحوه ارسال، چینش صدا، جهت‌داری گوینده و سکوت شنونده نیز نهفته است. ثانیاً آن‌که، از منظر جامعه‌شناسی ارتباطات، چنین تصمیماتی نشان‌دهنده نوعی ذهنیت اقتدارگرا در مواجهه با جامعه است؛ ذهنیتی که به‌جای تقویت زیرساخت‌های ارتباطی، آموزش سواد رسانه‌ای، مقابله هوشمندانه با اختلال‌های احتمالی و اعتمادسازی اجتماعی، به تکنولوژی‌های فرمان‌محور پناه می‌برد. درواقع، بلندگو به‌جای اینترنت نه‌فقط انتخاب یک ابزار است، بلکه تر جیح یک نوع رابطه با مردم است؛ رابطه‌ای از بالا، بی‌پرسش، بی‌پاسخ‌وبی مسئولیت. ثالثاً، بلندگو نه نماد توسعه ارتباطی است و نه حتی نشانه آمادگی برای شرایط بحرانی. تجربه جهانی مدیریت بحران، چه در زاین رلز، لزه‌ده، چه در اوکراین جنگ‌زده، بر تقویت سامانه‌های ارتباطی دیجیتال، پلتفرم‌های مشارکتی، پیام‌رسان‌های امن و شبکه‌های هشدار هوشمند تأکید دارد، نه بازگشت به بلندگوهایی که بیشتر یادآور فضای امنیتی دوران جنگ جهانی دوم‌اند. ما در کشوری هستیم که بیش از ۹۰ درصد خانواده‌ها دسترسی به تلفن هوشمند دارند و زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی فوری می‌تواند با طراحی سامانه‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، کارآمد و سریع باشد. در این شرایط، سرمایه‌گذاری بر بلندگو، نوعی انکار واقعیت دیجیتال است. رابعاً، این تصمیم‌گیری حاوی یک خطر پنهان دیگر نیز هست؛ نهادینه‌سازی سکوت اجتماعی. اگر مردم در زمان بحران به‌جای جست‌وجو، تحلیل و تعامل، فقط شنونده پیام‌های بلندگو باشند، به‌تدریج احساس بی‌قدرتی، انفعال و بی‌معنایی در آن‌ها شکل می‌گیرد. این همان چیزی است که هابرماس از آن به‌عنوان «کالبد بی‌جان حوزه عمومی» یاد می‌کند؛ جایی که مردم نه مشارکت‌کننده، که فقط مصرف‌کننده اطلاعات دستچین‌شده‌اند. آیا ما در سال ۱۴۰۳، در کلان‌شهری چون تهران، که بیش از ۸ میلیون نفر جمعیت فعال دارد و با بحران‌هایی چون آلودگی، فرونشست، مهاجرت، خشکسالی، تورم و از همه مهم‌تر بحران اعتماد روبه‌روست، می‌توانیم با نصب چند بلندگو، رابطه مدیریت شهری و مردم را بازتعریف کنیم؟ یا بهتر است بپذیریم که اختلال در اینترنت، هشدارهای است برای تقویت پایداری زیرساخت‌های ارتباطی، نه جایگزینی آن با فناوری‌های یک‌سویه و آمرانه؟ آنچه ما را از جوامع استبدادی، تبلیغ‌زده و ناپایدار متمایز می‌کند، فقط در داشتن فناوری نیست، بلکه در نوع بهره‌گیری از آن، در اعتماد به مردم، در پذیرش نقد و در حق دانستن و انتخاب شهروندان است. باید به‌جای نصب بلندگو، گوش‌های خود را برای شنیدن جامعه‌تنظیم کنیم.

۱۶
۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمدزیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



تصمیمات جنجالی ستاره‌ها

درباره بازیکنان شاخصی که در بازار نقل و انتقالات با تکلیف مانده‌اند



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

فوتبال ایران طی هفته‌های اخیر با حواشی عجیبی روبه‌رو شده که همگی مربوط به نقل و انتقالاتی است که بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دستخوش تغییرات بسیاری شد و معادلات بسیاری از باشگاه‌ها را به‌هم‌ریخت و عوض کرد. یکی از عجیب‌ترین نقل و انتقالاتی که رخ داد و البته هنوز امضاء نشده، حضور عیسی آل‌کثیر در باشگاه استقلال است که با واکنش بسیار منفی هواداران استقلال روبه‌رو شد. از طرفی، همچنان زمزمه جدایی علیرضا بیرانوند از تراکتور نیز شنیده می‌شود و البته موضوع محرومیت او که مرز ۴۰۰ روز راد کرده است، همگی در این گزارش مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

▼ محرومیتی که جنجال آفرین می‌شود؟

یکی از مباحث داغ این روزهای فوتبال ایران که همچنان نقل محافل ورزشی است، موضوع محرومیت یا محروم نشدن علیرضا بیرانوند است که ۴۲۰ روز پیش با فسخی غیرقانونی طبق گفته حکم کمیته انضباطی به تراکتور رفت، اما تا امروز کمیته استیناف رأی نهایی را اعلام نکرده است. نکته جالب توجه این است که مهدی دادرس، عضو کمیته استیناف برای اینکه توپ را در زمین فدراسیون فوتبال بیاندازد اعلام کرده، استیناف حکم را اعلام کرده ولی فدراسیون فوتبال آن را ابلاغ نمی‌کند تا رسمیت پیدا کند. از طرف دیگر محمدرضا نوزوی، مالک باشگاه تراکتور با حضور در برنامه ورزش و مردم اعلام کرد که به صلاح است تا در این روزهای خاص کشور و موقعیت حساسی که وجود دارد، تراکتور و پرسپولیس با یکدیگر مصالحه کنند. اما سوال اصلی این است که محرومیت و تخلف بیرانوند چه ارتباطی به شرایط کشور و موقعیت کنونی دارد؟ مگر موضوع فوتبالی نیست؟ چرا باید یک موضوع فوتبالی از سوی برخی، بی‌دلیل تبدیل به یک مسئله امنیتی شود؟ مگر می‌شود بازیکنی که ملی‌پوش است نسبت به سایر بازیکنان فوتبال از امتیاز یا رانت ویژه‌ای برخوردار شود؟ اتفاقاً اگر بازیکن ملی‌پوشی تخلف کند به‌دلیل اینکه می‌تواند الگوی بسیاری از افراد جامعه‌ی جوان ایران باشد طبعاً باید بی‌کم و کاست جریمه‌اش را پشت‌سر بگذارد. مسئولان باشگاه پرسپولیس تأکید کردند که از سوی نهادهای مختلف تحت فشار قرار گرفتند تا نسبت به پرونده بیرانوند مصالحه کنند تا این دروازه‌بان محروم نشود اما تا این لحظه هیچ توافق و صلیحی رخ نداده است. باشگاه پرسپولیس تأکید کرده، فقط در صورت بازگشت مهدی ترابی شاید از شکایت خود نسبت به بیرانوند صرف‌نظر کند. این در حالی است که باشگاه تراکتور با انتقال مهدی ترابی به پرسپولیس مخالفت کرده است.

▼ عیسی آل‌کثیر و تصمیمی پر حاشیه

اصولاً انتقال بازیکنان فوتبال از پرسپولیس به استقلال و برعکس، آینده فوتبالی و زندگی شخصی آن بازیکن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد اما برخی بازیکنان بدون بررسی و تحلیل پیشینه تاریخی این اتفاق با‌زهم به‌خاطر مسائل مالی چنین تصمیم سختی را می‌گیرند. آخرین بازیکنی که تصمیم گرفت به‌صورت مستقیم از پرسپولیس به استقلال برود، عیسی آل‌کثیر است که برخلاف تصور خودش با واکنش بسیار منفی هواداران استقلال همراه شد تا جایی که این بازیکن مجبور شد ایستناگرام خود را ببندد. عیسی آل‌کثیر ۳۶ ساله که فصل گذشته عملکرد ضعیفی در پرسپولیس داشت، حالا در شرایطی قرار گرفته که نمی‌تواند به‌راحتی با استقلال قرارداد رسمی امضاء کند. او بر سر دوا‌هی انصراف از حضور در استقلال و بازگشت به آبادان است.

▼ مدافع تانتهام در پرسپولیس

باشگاه پرسپولیس نقل و انتقالات را زودتر از سایر تیم‌ها شروع کرد و با خرید شش بازیکن طی هفت‌روز عملکرد خیره‌کننده‌ای داشت اما بعد از جنگ ۱۲ روزه نقل و انتقالات باشگاه همانند سایر باشگاه‌ها متوقف شد. با این حال برای پست دفاع راست، سرژ اوریه با سابقه‌ی چهارسال حضور در تانتهام و پاریسن ژرمن به اردوی پرسپولیس در کشور ترکیه اضافه شد تا در صورت صلاح‌دید وحید هاشمیان با پرسپولیس قرارداد امضاء کند. گفتنی است سرژ اوریه، یکی از بازیکنان مورد علاقه ژوزه مورینیو در تانتهام بود که زیرنظر این مربی پرتغالی عملکرد درخشانی از خود ثبت کرد و موفق شد با تانتهام به فینال جام اتحادیه نیز صعود کند. اوریه بیش از ۳۰ بار با پیراهن تانتهام و پاریس در لیگ قهرمانان بازی کرده و سابقه قهرمانی با پاریس در لیگ فرانسه را دارد. گفتنی است، او کاپیتان دوم تیم ملی ساحل عاج است و از بازیکنان محبوب تیم ملی کشورش نیز محسوب می‌شود. او فصل گذشته تیم باشگاهی نداشت اما در مسابقات ملی حضور داشت. باید دید این بازیکن با تجربه و ۳۲ ساله می‌تواند نظر وحید هاشمیان را جلب کند یا خیر.

▼ سپاهان، تراکتور را دور زد!

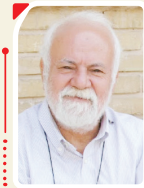
یکی از نقل و انتقالات عجیب فوتبال ایران، قرارداد سیدحسین حسینی با سپاهان است. چرا این قرارداد باعث شگفتی در فوتبال ایران شد؟ چون حسینی در آستانه امضای قرارداد با باشگاه تراکتور بود اما به‌یک‌باره و در عرض کمتر از پنج ساعت با تیم اصفهانی به توافق رسید و در نهایت با عقد قراردادی دوساله به اصفهان رفت.

سیدحسین حسینی قرار بود با استقلال توافق کند اما سایننتو، سرمربی پرتغالی استقلال، اعلام کرد این دروازه‌بان با تجربه دیگر در لیست‌اش نیست و بهتر است حسینی از تیم جدا شود. باتوجه به محرومیت احتمالی بیرانوند، باشگاه تراکتور مصمم بود تا حسینی را به تیریز بیاورد اما سپاهانی‌ها گوی سبقت را از نماینده تبریز ربودند.

▼ مورد عجیب ریکاردو آلوز و سپاهان

بعد از پایان جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران بود که اعلام شد ریکاردو آلوز، هافبک پرتغالی تراکتور، به‌خاطر شرایط جنگی و با استفاده از بند فورس‌ماژور، قرارداد خود را با تراکتور فسخ کرده است. در این مدت مدیران باشگاه تراکتور تلاش فراوانی کردند تا آلوز را به تیم‌شان برگردانند اما در نهایت کار به تهدید آلوز توسط تراکتور برای شکایت به فیفا و انقالو کردن صفحه تراکتور توسط آلوز کشیده شد. با این وجود شنیده شد که آلوز با الوحده امارات قرارداد بسته اما این موضوع هم فعلاً رسمیت پیدا نکرده است. حالا شنیده می‌شود، بعد از فسخ قرارداد آلوز با تراکتور به‌خاطر شرایط جنگی، باشگاه سپاهان با این بازیکن قرارداد بسته؛ یعنی باشگاه سپاهان با بازیکنی که به‌خاطر شرایط جنگی ایران قراردادش را با تراکتور فسخ کرده، قرارداد بسته که همین موضوع هم حواشی را ایجاد کرده. به‌خاطر همین بود که نوزوی جمعه در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرد، باشگاه‌های سپاهان و استقلال زیر پای آلوز نشسته‌اند. گفتنی است، ظاهرآ قرارداد آلوز با سپاهان در زمان مدیرعاملی یوسف‌زاده در سپاهان امضا شده. به‌نظر می‌رسد با این اشتباه باشگاه سپاهان وارد یک جنگ قضایی دیگر شود. به احتمال بسیار زیاد این موضوع یک پرونده حقوقی جدی برای باشگاه سپاهان می‌شود چراکه آلوز اعلام کرده بود به‌خاطر شرایط جنگی حاضر نیست به ایران برگردد اما اگر او در فاصله کم به ایران برگردد طبعاً باشگاه تراکتور با شکایت حقوقی از این بازیکن، او و باشگاه سپاهان را به چالش جدی خواهد کشید. گفتنی است روز گذشته باشگاه سپاهان عقد قرارداد با آلوز را تکذیب کرد اما موضوعی که نوزوی مالک باشگاه تراکتور در برنامه زنده گفته بود این است که دو باشگاه ایرانی، با آلوز صحبت‌هایی کردند که باعث شد این بازیکن با تراکتور فسخ کند. باید دید در روزهای آتی نقل و انتقالات فوتبال ایران چه تحولاتی را خواهد دید.

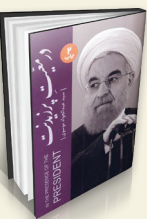
نگران ایران بود



پنجم مردادماه سال ۱۳۹۹، حوزه جامعه‌شناسی روستایی ایران، یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های خود را از دست داد. مهدی طالب که بنیان‌گذار رشته توسعه روستایی در دانشگاه تهران بود، در چنین روزی درگذشت. او زاده ۱۳۲۴ در نهبوند و فرزند یکی از بازاریان متدین و معتمد بازار بود. تحصیلات دبستان و بخشی از دوره دبیرستان خود را در همانجا گذراند، اما از سال ششم دبیرستان به اجبار به تهران مهاجرت کرد. طالب با دانشجویان مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی رفاقت نزدیکی داشت. حضور در مؤسسه و شرکت در کلاس‌های غلامحسین صدیقی، باعث شد که او به جامعه‌شناسی علاقه‌مند شود. پس از پایان دوره کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، راهی فرانسه شد و از دانشگاه تولوز، مدرک فوق‌لیسانس و دکتری‌اش در حوزه جامعه‌شناسی را گرفت. او در بازگشت به ایران با وجود اشتغال در بنیاد مسکن و وزارت مسکن و شهرسازی، حضور اصلی‌اش در سنگر دانشگاه بود. از دکتر طالب، بیش از ۴۰ جلد کتاب در طول ۴۵ سال فعالیت علمی به‌جامانده است. درباره او می‌گویند، پژوهشگری بود که نگران ایران بود و همواره ردهای توسعه روستایی را در هر سیاستی دنبال می‌کرد. مهدی طالب، پنجم مردادماه ۱۳۹۹ در سن ۷۵ سالگی، دار فانی را وداع گفت.

سفرهای عبدالجواد با روحانی

عبدالجواد موسوی، نامی آشنا در حوزه رسانه و فرهنگ ایران است و دهه‌هاست در مطبوعات ایران قلم می‌زند، سیاستمدار و فعال سیاسی البته نیست اما نگاه نقادانه‌اش کم‌یقه سیاستمداران را نگرفته است. آخرین کتاب او اما شرحی است از سه سفری که او در کنار حسن روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور وقت به سه استان خوزستان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان رفته است. چه سالی؟ سال ۹۲. حالا بعد از ۱۲ سال منتشر شده. حسام‌الدین آشنا که از مهمترین چهره‌های نزدیک به روحانی بوده، در نشست رونمایی از کتاب گفت: کتاب



نام کتاب:

در معیت پروزیدنت

نویسنده:

سید عبدالجواد

موسوی

نشر: خبر امروز

نه در دوران روحانی و نه در دوران رئیسی، قابل چاپ نبوده است زیرا باید از آن دوران فاصله می‌گرفتم. به‌هرروی عنوان کتاب ممکن است خواننده را به این فکر بیاندازد که با اثری در حوزه طنز مواجه می‌شود اما این گونه نیست و همانطور که مولف خودش نیز گفته، نه‌فقط همه کتاب به رئیس‌جمهور ارتباط ندارد بلکه این کتاب محصول مشاهدات او از مردم و زندگی آنها در این مسافرت‌هاست.

کودتای ناموفق جماعت المسلمین



۲۷ ژوئیه ۱۹۹۰، اسلام‌گرایان افراطی در ترینیداد و توباگو موسوم به «جماعت المسلمین»، دست به کودتایی شش‌روزه و البته ناموفق علیه دولت وقت زدند. اولین اقدام

آنها، بمب‌گذاری در ستاد پلیس بود که تا شب به‌طور کامل به آتش کشیده شد. هم‌زمان، ۴۲ شورش به رهبری بلال عبدالله به کاخ سرخ - محل پارلمان - حمله کردند و نخست‌وزیر و بیشتر اعضای کابینه را گروگان گرفتند. ۷۲ نفر از همدستان آنها به رهبری یاسین ابوبکر هم به دفاتر تلویزیون ترینیداد و توباگو حمله کردند. بدین ترتیب یاسین ابوبکر در تلویزیون ظاهر شد و اعلام کرد که دولت سرنگون شده است و او در حال مذاکره با ارتش است. با این‌همه چندین عضو کابینه که در زمان حمله در کاخ سرخ حضور نداشتند، در هتل ترینیداد هیلتون دفتر تأسیس کردند و ارتش به‌مرور مواضع کودتاچیان را تسخیر کرد. در نهایت با قطع دسترسی کودتاچیان به رسانه‌ها، پس از شش‌روز مذاکره، شورشیان جماعت‌المسلمین تسلیم شدند و در نهایت نیز دادگاه تجدیدنظر دستور آزادی آنها را صادر کرد.